

مقدمه

واژه «انسان» بنا بر این که از ریشه انس مشتق شده باشد، نمایانگر این است که در وجود او میل به انس گرفتن و مأنوس واقع شدن نهفته است. اما آن چه در این میانه اهمیت دارد کیفیت و چگونگی استفاده از این میل است و بررسی آسیب‌های بی ضابطه بودن آن و این که خداپسندانه‌ترین و عاقلانه‌ترین نوع آن کدام است؟ ما در بین جوانان که این مسأله محبت ورزیدن و دوستی کردن شیوع بیشتری دارد، کم و بیش با نوعی بحران و مسئله‌ای بنام دوستی با جنس مخالف مواجه هستیم. نوشتار حاضر پیرامون این مسأله به بحث می‌پردازد و آسیب‌های روابط بین دو جنس مخالف و دوستی‌های طرفینی را مشخص می‌نماید و دلایل مخالفت با این گونه دوستی‌ها را تبیین می‌نماید.

در ارتباط با رابطه و پیوند دو جنس مخالف به طور کلی سه دیدگاه مطرح است:

۱. **دیدگاه افراطی:** در این نگرش هر گونه ارتباطی با جنس مخالف آزاد و بدون مانع است. (رویکرد لیبرالیستی) به بیان دیگر هیچ گونه حد و مرزی برای این پیوندها وجود ندارد و آزادی مطلق بر آن‌ها حاکم است. فروید و پیروان وی مدعی هستند. اخلاق جنسی کهن بر اساس محدودیت و ممنوعیت است و آنچه ناراحتی بر سر بشر آمده است از ممنوعیت‌ها و محرومیت‌ها و ترس‌ها و وحشت‌های ناشی از این ممنوعیت‌ها که در ضمیر باطن بشر جایگزین گشته، آمده است. برتراند راسل نیز در اخلاق نوینی که پیشنهاد می‌کند، همین مطلب را اساس قرار می‌دهد. راسل در کتاب «جهانی که من می‌شناسم» می‌گوید: «اگر از انجام عملی [رفتار جنسی] زبانی متوجه دیگران نشود، دلیلی نداریم که ارتکاب آن را محکوم کنیم»^۱

^۱ جهانی که من می‌شناسم، ص ۶۸

۲. دیدگاه تفریطی: بر پایه این رویکرد، هر گونه ارتباط و پیوند با جنس مخالف مردود و مورد نکوهش می باشد. این دیدگاه درست در مقابل دیدگاه افراطی است. وستر مارک مثال‌های زیادی از این فکر عجیب مبنی بر این که «چیز ناپاک و تباهی در روابط جنسی وجود دارد» ذکر می کند.^۱ راسل در جای دیگر می گوید: پدران کلیسا از ازدواج به زشت‌ترین صورت یاد کرده‌اند. هدف ریاضت این بوده که مردان را متقی سازد، بنابراین این ازدواج که عمل پستی شمرده می شد بایستی منعدهم شود. «با تبر بکارت درخت زناشویی را فرو اندازید» این عقیده راسخ سن ژروم درباره هدف تقدس است.^۲

۳. دیدگاه اعتدالی: بر اساس این دیدگاه نه آزادی مطلق و رها پذیرفته شده است و نه محدودیت و منع هر گونه رابطه، بلکه ارتباط بین دو جنس مخالف در یک چهارچوب [Context] مشخص تعریف شده است. دیدگاه اسلام ناظر به نگرش سوم (اعتدالی) است. متن پیش روی شما سعی دارد ما را با نگرش اعتدالی اسلام نسبت به این نیاز انسان آشنا و پیامدهای روابط نامشروع را با دلیل منطقی بیان نماید. البته منظور ما از دوستی دختر و پسر «آن نوع رابطه‌ای است که صمیمانه و گرم و عمدتاً پنهانی باشد که از طریق دیدارهای مخفیانه، رد و بدل کردن نامه، تلفن... ایجاد می گردد».^۳

آنچه قبل از پرداختن به بحث لازم و ضروری است، بررسی نظر اسلام به عنوان یک دیدگاه تعادلی است. هر انسان سلیم‌النفسی با توجه به دلایل عقلی به راحتی می تواند دریابد اسلام در حال حاضر تنها دین نجات دهنده بشریت بوده، و او را به اوج عظمت روحانی خویش می رساند. لیکن برای آنکه جوانان عزیز ما با قوت بیشتری در این مسیر قدم بردارند توجه به موارد ذیل بی تاثیر نمی باشد.

هاکنج جامعه شناس بزرگ آمریکایی می گوید: «راه پیشرفت کشورهای اسلامی این نیست که از نظامها و ارزشهای غرب تقلید کنند و آن را در زندگی خودشان بکار گیرند... در نظام

^۱ کتاب زناشویی و اخلاق، ص ۲۶ و ۲۵

^۲ همان، ص ۳۰

^۳ احمدی، علی اصغر، روابط دختر و پسر در ایران، ص ۱۱۳

اسلامی نه تنها هر نوع استعداد و آمادگی برای پیشرفت و تکامل وجود دارد بلکه قابلیت تطور نظام اسلامی از بسیاری از نظامهای دیگر بیشتر است^۱ ولتر با آنکه در ابتدای زندگی با اسلام مخالف بود ولی بعد از ۴۰ سال می نویسد « دینی که محمد(ص) آورده است بی شک از مسیحیت برتر است » وی در مورد «اربین لوتر» که او را تا حد پرستش می ستاید می گوید: « لوتر لیاقت آن را ندارد که بند کفش محمد (ص) را بگشاید »^۲ تلستوی یکی از فلاسفه بزرگ روسی می نویسد: « شریعت محمد(ص) به علت توافق با عقل و حکمت در آینده جهانگیر خواهد شد »^۳.

آنچه که امروز جامعه شناسان و روانشناسان بحران روابط جنسی در سراسر عالم معرفی می کنند جز با بازگشت مردم به دین فرو نخواهد نشست . بشریت امروز مانند تشنه ای است که هر چیزی جز آب به او بدهی؛ سیرایش نمی کند ، بلکه بر تشنگی او می افزاید . روح آدمی جز در سایه سار ذکر او آرامش نخواهد یافت «*أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ*»^۴ . چون اصل او چیزی جز آن حقیقت ناب نیست «*نَفَّخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي*»^۵.

^۱ روح سیاست جهانی به نقل از سیمای تمدن غرب ص ۱۴۷ (سید مجتبی لاری)

^۲ اسلام از نظر ولتر ص ۹۹ و کلیات ولتر ج ۲ ص ۵۵۵

^۳ قهرمان نقل از سیمای تمدن غرب ص ۱۳۸

^۴ سوره رعد آیه ۲۸

^۵ سوره حجر آیه ۲۹

ضرورت بحث در مورد روابط پنهانی

۱. لزوم توجه به ابعاد متعالی انسان اعم از مرد و زن

انسان دارای ابعاد مختلفی است؛ برخی از آنها بسیار متعالی و برخی دیگر هم با بخش حیوانی مرتبط هستند. انسان فعالیت‌های متفاوتی انجام می‌دهد و توانایی‌های متعددی دارد که با توجه به توانایی‌ها و نوع فعالیت‌ها می‌تواند اهداف مختلفی برای خود انتخاب نماید. حال در صورت گسستگی روابط مردان و زنان، به دلیل آسیب‌پذیری انسانها در این رابطه و حاکمیت غریزه، ابعاد متعالی آدمی تحت الشعاع قرار گرفته و عقربه ذهنی و رفتاری افراد به سمت مسایل جنسی و حواشی آن رفته و هر یک از آنها از ابعاد متعالی خود و دیگری غفلت می‌ورزند.

هنگامی که انسان دریافت همه ابعاد او فقط جسم او نیست، و حقیقت او روح اوست و بدن ابزار کمال است؛ دیگر به ابزار به عنوان هدف نگاه نمی‌کند. اگر انسان ارضای غرایز و شهوات را تنها هدف زندگی بداند، دیگر معنا ندارد که راه مخصوصی را برای آن در نظر بگیرد، بلکه در نظر او هر عاملی که بهتر و بیش تر در خدمت شهوات قرار گیرد، (چشم چرانی، روابط نامشروع، خودارضایی، میل و اعتیاد به تماشای عکس‌ها و فیلم‌های مبتذل و...) موجه پسندیده خواهد بود؛ هرچند در ستیز با ضوابط عقلی و دینی باشد و به نابدی شرافت انسانی و جامعه‌ی بشری منجر شود.^۱

عامل اصلی انحرافات اخلاقی و تضعیف باورهای اعتقادی در غرب، همین طرز تفکر، یعنی نگرش استقلالی به غرایز است. این مسئله باعث شده که تمامی ارزش‌های انسانی زیرپا گذاشته شود و افراد در مسیر انحطاط و تباهی سیر کنند.

^۱ محمدرضا امین زاده، اسلام و ارضای غریزه‌ی جنسی، (قم: در راه حق، ج ۱، ۱۳۷۷)، ص ۱۲.

روشن است که سرکشی شهوت عقل را ناکارآمد می‌کند. همانطور که حضرت علی (ع) فرموده‌اند: «که بر اثر هوس و شهوت عقل و خرد از بین می‌رود»^۱. در واقع مشکلات و معضلات اخلاقی و اجتماعی، چون: قتل، جنایت، خودفروشی، اختلالات روانی، تزلزل پیوند خانوادگی و... همه معلول اصل لذت جویی و حکومت غرایز و روابط آزاد و مختلط و از میان رفتن اهداف بلند انسانی است.

۲. مخف شدن کرامت زن

زنان در طول تاریخ تمدن بشری روزهای سختی را پشت سر گذاشتند که همه آن رنج‌ها معلول به فراموشی سپردن «انسانیت زن» بوده و در قرن حاضر به بهانه دفاع از زنان، مشکلات جدیدی دامنگیر آن‌ها شده که ناشی از نادیده گرفتن «زن بودن» زن و توانایی‌ها و نیازهای او است. آیا به راستی زن محکوم است که یا دچار گرفتاری‌های سابق باشد و یا درگیر معضلات حاضر؟! سخن در این است که زن می‌تواند با انتخاب راهی منطقی و یا پرهیز از تجدد مآبی و تحجرگرایی که ناشی از «جهل به دین» و «جمود ناصحیح» بر آن است به اعتدالی پویا رسیده و به شکوفایی استعدادهای خویش دست زند.

در رواج بی‌بند و باری جنسی این زنان هستند که بیشتر متضرر می‌شوند، چرا که در این صورت زنان در ارزیابی مردان، به آبزه‌های جنسی تبدیل می‌شوند و تنزل زنان تا به این حد، بدترین شکل ممکن از سقوط شخصیت آدمی است. اگر زنان به خاطر جاذبیت‌هایشان مورد علاقه واقع شوند و بر این اساس با کسی پیوندی مقدس به نام ازدواج ببندند در حالی که دیگر امتیازات شخصیت آنها هم دیده شده و در مجموع یک همراه و شریک در زندگی‌ای

^۱ منتخب میزان الحکمه، ج ۲، ص ۷۱۰. قرآن کریم هم با ارزش دادن به معیارهایی نظیر علم، ایمان و عمل صالح که همه را حقایق غیر جنسیتی می‌داند توجه آدمی اعم از مرد و زن را به این واقعیت جلب می‌کند که باید چه همت خود را اموری از این دست قرار دهند. امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه انسانی که در مقابل موقعیت معصیت بار جنسی، خویشتندار بوده و عفت می‌ورزد را فرشته خو می‌داند. منتخب میزان الحکمه، ج ۲، ص ۶۹۵.

متکامل به حساب آیند، ابداً مذموم نیست. لکن وقتی فقط از لحاظ مسایل شهوانی مورد نظر آیند، بسی خسران نموده و حقیرانه زندگی خواهند کرد. در ادله و روایات موارد قابل توجهی وجود دارد که به مردانی که درصدد ازدواج هستند توصیه می‌کنند که زنان را فقط بابت جمال ظاهری شان نخواهند و به ابعاد دیگر و شخصیت باطنی شان توجه کنند. در واقع شیوع نگاه ظاهربین و غلط باعث می‌شود از توان بالقوه و بالفعل زنان در جهات مختلفی که با پیشرفت جامعه مرتبط است غفلت شده و خود فراموشی مفرطی را نیز در زنان باعث گردد.^۱

۳. داشتن خانواده و نسلی سالم در آینده

بدیهی است که انحصار تلذذات جنسی در خانواده زمانی ممکن است که در صحنه علنی جامعه مردان و زنان از این حیث در اختیار یکدیگر نباشند. دسترسی آسان به تأمین غرایز از طرق نامشروع علاوه بر آنکه مردان و زنان متاهلی را که از نظر ایمان و تقوی سست بنیاد هستند، در معرض آسیب قرار می‌دهد، با بالابردن آستانه لذت و کامیابی و توقعات روبه تزايد مردان و زنان از یکدیگر بر فروپاشی خانواده اثر بیشتر می‌گذارد. مردان و زنان در مراودات آزاد خود با غیر همسر مداوم در فکر مقایسه همسر خود با نمونه‌های جدیدند و با این کار احساس رضایت خود را نسبت به خانواده و همسر خود از دست می‌دهند.

علاوه بر امر فوق وجود این روابط انگیزه‌های اولیه تشکیل خانواده را از بین می‌برد یعنی در پایین کشیدن آمار ازدواج موثر است. در شرایطی که تشکیل خانواده مؤونه و زحمت زیادی در بردارد و بر دوش هر یک از طرفین مسئولیت‌هایی می‌نهد، وجود روابط آزاد باعث می‌شود که متاسفانه افراد از نامطلوب‌ترین راه ممکن غرایز خود را تأمین کنند و فارغ از

^۱ برای استفاده بیشتر می‌توانید به کتاب نظام حقوقی زن در جهان اسلام (شهید مطهری) و کتاب با عظمت زن در آینه جمال و جلال (آیت الله جوادی آملی) مراجعه نمایید.

مسئولیت‌های خانوادگی در لذت‌جویی افراط‌نمایند.^۱ اباحیگری و بی‌قید و بندی در رفتارهای جنسی و انتخاب دوست و رفیق (به جای همسر و شریک زندگی) مهمترین عاملی است که در کشورهای توسعه یافته باعث پیدایش انواع خانواده‌ها (تک‌والدی، زوج‌های آزاد، مادران مجرد و...) شده است.^۲ روند همراه با آزادی روابط خانواده‌غریبان را تحت تاثیر قرار داده که مهمترین مشکل آنان بالا رفتن سن جامعه و دوری از فرزند دار شدن است. تا جایی که بیشتر کشورهای غربی برای کسانی که صاحب فرزند می‌شوند جایزه معین می‌نمایند. آلون تافلر نسبت به کشورش می‌گوید «اگر ما خانواده هسته‌ای را متشکل از یک شوهر شاغل و یک زن خانه‌دار و دو کودک بدانیم و سوال کنیم چند نفر از آمریکاییان هنوز در این نوع خانواده زندگی می‌کنند، پاسخ حیرت‌آور است ۷٪ از کل جمعیت ایالات متحده. ۹۳٪ از جمعیت در چارچوب این مدل ایده‌آل موج‌دومی نمی‌گنجند»^۳

۴. برخورد مناسب با کسانی که دارای روابط نامشروع هستند

یکی دیگر از ضرورت‌های بحث دانستن راه کارهای گفتگوی دوستانه با افراد دارای روابط است. آنچه که در بعضی از مواقع به چشم می‌خورد برخورد غیر عقلانی و ناآگاه نسبت به این گونه از دوستی هاست، که در بعضی از موارد منجر به گریز جوانان از دین و پی‌نبردن به عظمت اسلام برای تعالی آنها می‌گردد. و با برخورد منطقی مربیان، اولیاء و دوستان باعث از حل شدن بحران امروز کشورمان خواهیم بود.

^۱ جهت اطلاع بیشتر از این موضوع رک: به کتاب «زن بودن» اثر دکتر تونی گرنث اغلب فصول این کتاب در موضوع فوق مفید است

به خصوص ص ۱۳۸ - ۱۴۰

^۲ موج سوم ص ۲۹۶

^۳ همان ص ۲۹۳

۵. جلوگیری از گسترش فساد و مشکلات اجتماعی

روابط نامشروع و آزادی روابط دختران و پسران اثرات مخرب زیر را بر خانواده می گذارد
همچون :

1- **بارداری های ناخواسته:** افزایش بارداری های غیر رسمی و زود هنگام یکی دیگر از آثار شوم روابط آزاد دختر و پسر است. آندره میشل در این باره می نویسد: « بیش از چهل درصد زنان امریکایی که پیش از بیست سالگی ازدواج می کنند. به علت روابط آزاد پسر و دختر، قبل از ازدواج باردار هستند. در نروژ ۹۰٪ دخترانی که در سن کمتر از هیجده سال ازدواج می کنند، باردار هستند و در سوئد و آلمان نیز همین مطلب صادق است » از هر پنج دختر انگلیسی که به کلیسا می رود یک نفر حامله است، و در هر سال ۵۰ هزار سقط جنائی انجام می گیرد^۱

متناسب با افزایش نرخ بارداری های ناخواسته، آمار سقط جنین در کشورهای غربی که دختر و پسر پیش از ازدواج روابط آزاد دارند رو به تزاید است. به ادعای وی اکثر موالید، مربوط به زنان پایین تر از بیست سال مربوط به روابط آزاد دختر و پسر بوده است.

۲- **روسپیگری:**^۲ پدیده شوم روسپی گری به ویژه در بین دختران جوانی که به طور ناخواسته صاحب فرزند نامشروع شده اند، در جوامع غربی شایع است، زیرا فرزندان ناخواسته، فرصت های اشتغال و تحصیل را از مادران گرفته، آنان ناچارند برای تأمین هزینه های زندگی و رهایی از فقر، به هر کاری رو آورند

^۱ روزنامه کیهان شماره ۵۳۵۶

^۲ زنی که به دنبال گناه کبیره و شوم « زنا » می رود و زندگی خود را از این طریق می گذراند.

عوامل ایجاد کننده روابط

بحران بلوغ جوانان از پدیده های طبیعی در جوامع مختلف است که تحت تاثیر شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه قرار می گیرد و عوارض متفاوتی را به دنبال دارد. نیازهای روحی و روانی جوانان در دوران بلوغ به بحران های جنسی و ناهنجاری های اجتماعی و رفتاری در جوانان منجر می گردد. به طور کلی موارد زیر را می توان از عوامل ایجاد کننده روابط نام برد:

۱. **غریزه ی جنسی:** یکی از غرایز نهفته در نهاد انسان است که همانند سایر غرایز، خواست طبیعی خویش را طلب می کند و انسان ناچار است به این غریزه پاسخ بگوید. اما آنچه انسان را از حیوان ممتاز می سازد، حکومت عقل بر اعمال انسانی است و از آن جا که در انسان، غرایز مختلفی وجود دارد و هر یک از آنها بر اساس حکمت و هدفی در نهاد او قرار گرفته است، سعادت و خوش بختی و دست یابی به آرامش واقعی او در گرو پاسخ گویی متوازن و متعادل به این غرایز است. تمرکز بیش از حد روی یک غریزه و ترجیح دادن آن بر دیگر خواسته های عقلایی و فطری، همانند رشد نامتعادل یکی از اندام ها - مثلاً یک دست - و متوقف شدن رشد سایر اعضاست. بی شک چنین هیكلی ناقص و بدمنظر خواهد بود.

۲. **کرایش به محبت کردن و دوست داشتن:** در این سنین جوانان خواهان روابط دوستانه و هم سخن شدن با یکدیگرند. اریکسون، یکی از روان شناسان غرب، می گوید: «جوان در این مرحله می خواهد روابط دوستانه نزدیکی با دیگران پیدا کند؛ ارزشمندترین و مهم ترین هستی و دارایی اش را به فردی دیگر هدیه دهد؛ در پی یافتن هویتی جدید است و گمان می کند خانواده و والدینش نمی توانند از وی حمایت کنند». بنابراین، اگر این نیاز در محیط خانوادگی به خوبی تأمین نشود یا لطمه ببند و مخدوش شود، نیاز به محبت و ابراز محبت و برقراری ارتباط دوستانه اش دچار اختلاف خواهد شد؛ به عبارت دیگر، دختر و پسری که

عواطف و احساساتشان در درون خانواده ارضا نشود و در جمع خانوادگی احساس غربت و تنهایی کنند، در فضای باز و آزاد جامعه طعمه افراد فرصت طلب و سودجو می‌شوند؛ به راحتی در دام افراد شیاد می‌افتند یا حداقل میل متقابل آن‌ها و جنس مخالف سبب می‌شود آن‌ها به بهانه‌های مختلف از قبیل آشنایی برای ازدواج و تبادل نظر درباره مسائل علمی و درسی آگاهانه یا ناخودآگاه در جهت تأمین و ارضای این نیازشان گام بردارند؛ البته با روشی غلط و غیر قابل قبول که مشاهده‌اش شما را می‌رنجاند.

هر انسان سالمی به این نکته اعتراف می‌کند که در وجود خود میل و احساس می‌کند. آیات و روایات نیز این اصل را مسلم فرض کرده و از این رو بیشتر به جهت دهی صحیح این گرایش پرداخته است؛ مثلاً حقوق دوستان بر یکدیگر، شرایط دوست خوب، وظایف دوست در قبال دوست، دوست بد و پرهیز از آن و ویژگی‌های آن‌ها را بیان داشته است. نتیجه این که این میل و گرایش که نعمتی است بس عظیم، مثل سایر امیال (میل به غذا،...) باید هدایت و کنترل شود و در مسیر صحیح قرار گیرد تا بتواند در جهت کمال و رشد انسان مفید واقع شود. پروردگار ما در این زمینه هم مثل سایر موارد، به واسطه پیشوایان دین ما را راهنمایی کرده است و مسیر صحیح استفاده از این گرایش و مسیر ناصحیح آن را نشان داده است که این به خاطر اهمیت وجود دوست در سرنوشت انسان می‌باشد، چرا که دوست هم می‌تواند انسان را به قله‌های کمال و سعادت برساند و هم می‌تواند باعث ضلالت و گمراهی انسان گردد؛ کما این که در آیات و روایات اشارات فراوانی به این مهم شده است، از جمله آیات: «يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا»^۱ «أَلَا خِلَاءٌ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ»^۲

^۱ سوره فرقان، آیه ۲۸ (ای کاش فلانی را به عنوان دوست خود انتخاب نکرده بودم)

^۲ سوره زخرف، آیه ۶۷ (در آن روز دوستان دشمن یکدیگرند مگر پرهیزگاران)

۳. **الگو کرفتن از منابع غیر خودی:** متأسفانه بخش قابل توجهی از جوانان ما ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی خود را از محیط‌های غیر خودی و غیر اصیل جوامع دیگر می‌گیرند. بی‌تردید گسترش ارتباطات اجتماعی و توسعه آن و نیز گسترش و توسعه تکنولوژی و وسائل ارتباط جمعی و «پدیده جهانی شدن در همه عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و...» در این خودباختگی و روی آوردن به فرهنگ بیگانه نقش اساسی دارد. این امور سبب می‌شود جوانان فرهنگ‌ها و ارزش‌های دیگر جوامع را الگو قرار دهند و به گمان این که این گونه روابط عامل رشد و نشانه کمال و جرأت و وسیله ابراز شخصیت است، به آن روی آورند. در این میان، مسأله رقابت جوانان و به رخ کشیدن خود برای همسالان نقشی عمده ایفا می‌کند. آقای نیل پستمن در کتاب خود می‌نویسد «نظام تکنوپلی آمریکا بر آن است تا مجموعه جهان را به اسارت خود درآورد. انهدام نهادهای مذهبی و مدنی و تاریخی و فرهنگی تنها راه وصول و حصول به این هدف است.... ماهواره‌های ارتباطی، تصویری و شبکه‌های جهانی تلویزیون عهده دار این رسالت است، تا در رهگذر ساختن بسترهای عشرت و سرگرمی طرب‌زا زوال فرهنگهای جوامع را باعث گردند»^۱.

۴. **الگو کسری از گروه همسالان به خصوص به کلاسی‌ها:** برخی برای این که در جمع دوستان مورد تحسین قرار گیرند و یا دست کم بی‌عرضه و بی‌جرأت خوانده نشوند، به دنبال دوست پسر یا دوست دختر می‌گردند و با آن که به خوبی از عواقب سوء این کارها آگاهند، از آن دست نمی‌کشند.

۵. **بی‌توجهی پدران و مادران به الگوهای دینی و عدم تربیت صحیح:** در روایات از وجود مبارک حضرت علی (ع) پیرامون تربیت فرزند در ۷ ساله سوم آمده «ثُمَّ هُوَ عَدُوکَ اَوْ صَدِیقُکَ»^۲ یعنی در این هفت ساله اگر تربیت صحیح صورت نگیرد فرزند دشمن انسان خواهد شد.

^۱ زندگی در عیش مردن در خوشی، مقدمه کتاب

^۲ حدیث تربیت ج ۳ ص ۹

البته نباید غافل شد عدم تعادل در برخورد صحیح با فرزندان ضربه های جبران ناپذیری بر آنان وارد می کند. همانطور که در روایتی می فرمایند: «اَکْرُمُوا اَوْلَادَكُمْ وَاَحْسِنُوا اَدَابَكُمْ» فرزندان خود را احترام کنید و با آنان مودب برخورد کنید. و در جای دیگر می فرمایند: «شَرُّ الْاَبَاءِ مَنْ دَعَا الْبِرَّ اِلَى الْاِفْرَاطِ»^۱ بدترین پدران کسانی هستند که در نیکی و محبت نسبت به فرزندان از حد تجاوز کنند.

موارد زیر راه های برخورد منطقی و جلوگیری کننده با روابط نامشروع فرزندان می باشد:

- ✓ دوستی و رفاقت والدین با فرزندان
- ✓ سخت گیری نکردن در امر ازدواج
- ✓ رعایت حدود شرعی در برخورد با نامحرم توسط والدین (خرما خورده نمی منع رطب کند)
- ✓ رعایت پوشش مناسب در مقابل فرزندان (عامل بلوغ زودرس و تهیج فرزندان)
- ✓ آموزش مسائل حرام و حلال و واقعیتهای جنسی به فرزندان
- ✓ شخصیت دهی و عدم خشونت و تحقیر جوانان

۶. فرسنگ و باورهای غلط در جامعه:

- ✓ رسانه های جمعی و الگو گیری جوانان از آنها
- ✓ برخوردهای غیر منطقی دستگاه های اجرایی
- ✓ شیوه های نادرست مشاوره بعضی از معلمان و مربیان تربیتی
- ✓ نشر کتابها، رمان ها، مجلات و... منحرف کننده و شکستن قبح روابط نامشروع

۷. نقش بی بدیل شیطان در انحرافات:

^۱بحار الانوار ج ۲۲ ص ۱۱۴

همان که گفت: «می خواهم شما را عریان کنم»^۱ کسی که قرآن می فرماید: «إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانُ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا»^۲ به راستی که شیطان برای انسان دشمنی آشکار است. پس تو هم با او دشمنی کن نه دوستی؛ «فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا»^۳

پیامد روابط دختران و پسران

الف. پیامد روابط از دیدگاه دین

۱. **پیشانی در قیامت:** همان طور که قبلاً اشاره شد، در برخی آیات تصریح شده که در قیامت برخی افراد از این که در انتخاب دوست دقت لازم را نکرده و دوستان ناباب انتخاب کرده اند، پشیمان می گردند: «الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ»^۴ دقت کنید که خلیل یعنی دوست بسیار صمیمی (به زبان امروزی عاشق) باشید. معنای آیه این است که همه دوستی ها و دوستان فردای قیامت دشمن یکدیگر می شوند، مگر آن دوستی هایی که بر اساس تقوا بنا شده باشد؛ یعنی مورد رضایت خداوند بوده باشد. «يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا»^۵ کسانی دست حسرت می گزند که ای کاش فلانی را به عنوان دوست انتخاب نمی کردیم. می توان گفت از مصادیق و نمونه های روشن دوستی هایی که باعث پشیمانی در قیامت می گردند، یکی همین نوع دوستی های متعارف بین دختران و پسران است که بر اساس تقوا و پرهیزکاری نمی باشد.

^۱ اعراف آیه ۲۰

^۲ اسراء آیه ۵۳

^۳ فاطر آیه ۶

^۴ سوره زخرف، آیه ۶۷

^۵ سوره فرقان، آیه ۲۸

۲. **نوعی زنا:** زنا اقسامی دارد و هر عضو اگر از چارچوبی که خداوند برای آن مشخص کرده فراتر رود، زناى آن عضو را مرتکب شده است.

وجود نازنین پیامبر(ص) می فرماید: «لکل عضو من ابن آدم حظٌّ من الزَّنا فَالعینُ زناه النظر و اللسان زناه الكلام، الأذنان زاهما السمع و الیدان زاهما البطش و الرجلان زاهما المشی» برای هر عضوی از اعضای بدن انسان نوعی زنا وجود دارد؛ زناى چشم نگاه است؛ زناى زبان سخن گفتن؛ زناى گوش شنیدن؛ زناى دست‌ها لمس کردن و زناى پاها حرکت به سمت گناه.^۱

۳. **دوئی مردان:** آزادی در روابط بین دو جنس مخالف، طبق برخی روایات باعث پیدایش دردهای فردی و اجتماعی می‌گردد که درمانی ندارد. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «باعدوا بین انفاس الرجال و النساء فَإِنَّه اذا كانت المعاینه و اللقاء كان الداء الذى لا دواء له» بین مردان و زنان، حریم ایجاد کنید، زیرا شکستن این حریم‌ها جامعه را دچار دردهای بی درمان خواهد کرد.^۲ مولوی گوید:

هیچکس را با زنان ممرع مدار که مثال این دو پنبه است و شرار^۳

۴. **نهی شدید از خلوت کردن زن و مرد نامحرم:** از پیامبر (ص) نقل شده است که فرمودند: «ایاک و الخلوۃ بالنساء والذی نفسی بیده ما خلا رجل بأمرأة إلاّ دخل الشیطان بینهما و لآن یزحم رجل خنزیر متلطّخاً بطن و حماة خیر له من ان یزحم منکبه امرأة لا تحل له» از خلوت کردن با زنان پرهیزید! قسم به خدایی که جانم در دست اوست، مردی با زنی خلوت نمی‌کند، مگر این

^۱ مستدرک وسائل، ج ۱۴، ص ۲۶۹

^۲ مستدرک، ج ۱۴، ص ۲۶۴

^۳ مثنوی معنوی، دفتر پنجم، بیت ۳۸۷۲ شرار: آتش

که شیطان وارد می‌شود. اگر خوکی آلوده به کثافت به انسان بخورد، بهتر است از آن که شانه زن بیگانه‌ای با مرد نامحرم برخوردار کند.^۱

۵. **سلب غیرت:** یکی از ویژگی‌های فرد مسلمان، داشتن غیرت و تعصب نسبت به امور مهم و حساس است؛ مثل مسأله دین، ناموس و... در روایات فراوانی به این مسأله اشاره شده است. از باب نمونه: پیامبر (ص) فرمودند: «انَّ الْغَيْرَةَ مِنَ الْإِيمَانِ» غیرت از ایمان نشأت می‌گیرد.^۳ غیرت از صفات خدا نیز شمرده شده است و حتی بعض روایات علت حرمت کارهای زشت و قبیح را غیرت خدا ذکر کرده‌اند. از پیامبر (ص) نقل شده است که فرمودند: «الَا وَ انَّ اللّٰهَ عَزَّوَجَلَّ حَرَمَ الْحَرَامِ وَ حُدَّ الْحُدُودِ فَمَا اَحَدٌ اَغْيَرَ مِنَ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ وَ مِنْ غَيْرَتِهِ حَرَمٌ الْفَوَاحِشُ» آگاه باشید! خداوند بزرگ محرمات را حرام کرد و حدود را مشخص کرد. پس کسی غیرتمندتر از خدا نیست و بخاطر غیرتش فحشا را حرام کرد.^۴

بنابراین، ارتباط دوستی با نامحرم از طریق غیرمجاز، نشانه نوعی بی غیرتی نسبت به ناموس مسلمانان و حتی نسبت به ناموس خویش است، چرا که چنین افرادی کم کم از این که دیگران با ناموس آن‌ها دوست شوند ناراحت نمی‌گردند. لذا امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرمایند: «وَ عِفَّتُهُ عَلَيَّ قَدْرُ غَيْرَتِهِ» پاکدامنی شخص به میزان غیرت اوست.^۵

هر قدر نسبت به ناموس خود احساس غیرت کند، نسبت به ناموس دیگران نیز احترام قائل است. و تجربه هم این مسأله را نشان داده است.^۶

^۱ مرآة النساء، ص ۱۱۷

^۲ میزان الحکمه، ج ۷، باب الغیره

^۳ الفقیه، ج ۳، ص ۴۴۴

^۴ همان، ج ۴، ص ۱۱

^۵ نهج البلاغه، حکمت ۴۷

^۶ همان، ج ۴، ص ۱۱

ب. پیامد روابط از دیدگاه عقل :

هرچند آنچه دین برای ما بیان می کند منشاء عقلانی دارد ، ولی برای اطمینان قلبی و دلیل برای کسانی که به مباحث دینی دلبستگی ندارند؛ این قسمت به صورت موید کلام معصوم (ع) بیان می گردد.

روابط به دو دلیل ایجاد می شود:

۱- برای ازدواج

۲- برای غیر ازدواج (نیاز به محبت ، گذراندن اوقات فراغت ، شهوت رانی و...)

❖ اگر کسی برای ازدواج این روابط را برقرار می نماید که اکثر دختران ما با این نیت وارد این صحنه می شوند پیامدهای زیر در ردّ ادعای او بیان می کنیم :

۱. **اکثر این روابط به ازدواج منتهی نمی شود** بیشتر رابطه های پنهانی معمولاً بیش از ۳-۲ سال بیشتر بطول نمی انجامد زیرا عامل اصلی در برقراری رابطه زیبایی هر یک از دو طرف بود ، و با دیدن شخصی زیباتر (از قدیم گفتند دست بالا دست بسپاره) تمام حرفها پشت گوش انداخته می شود و با فرد جدید رابطه برقرار می شود.

۲. **در صد بالایی از کسانی که موفق به ازدواج می شوند کارشان به طلاق می انجامد** بر اساس یک یافته پژوهشی در آمریکا، زوج هایی که پیش از ازدواج با یکدیگر زندگی می کنند زندگی زناشویی آنها با مشکلات عدیده ای رو به رو است و منجر به طلاق می شود. به دو دلیل این گونه دوستی ها به طلاق کشیده می شود:

الف. به نحوه ایی طولانی شدن دوران عقد است : از لحاظ روانشناسان ثابت شده است که اگر زمان عقد - زمان اوج علاقه و محبت - طولانی گردد محبتی که باید قوی می شد و وارد زندگی مشترک شود تحت تاثیر حرف دیگران ناملایمی ها و ... ضعیف گشته ، وهنگامی که در صحنه زندگی مشترک (عروسی) مشکلی پیش می آید دیگر محبت نقش اصلی را بازی نمی کند ، بلکه به تنش بین دو زوج تبدیل می شود

ب. جو بد بینی و سوء ظن : این گونه دوستی ها و روابط اگر به ازدواج بی انجامد پس از مدتی از شکل گیری زندگی جو بدبینی و سوءظن را به دنبال خواهد داشت. پسر به خود می گوید این دختر وقتی به راحتی با من پیوند و رابطه نامشروع برقرار نمود، پس از اعتقاد و ایمان قوی برخوردار نیست. بنابر این از کجا معلوم پیش از ارتباط با من، با فرد دیگری طرح دوستی نریخته است. از کجا معلوم که در آینده با این که همسر من است با دیگری ارتباط برقرار نکند؟ دختر نیز همین تصور را نسبت به پسر دارد. بر این اساس این گونه ازدواج ها دارای پایه و اساسی سست و متزلزل است و تجربه نشان داده که سریع منجر به طلاق و جدایی می گردد. به گزارش ایسنا، دکتر «کاترین کوهان»، استاد دانشگاه ایالت پنسیلوانیا گفت: طبق آخرین تحقیقات، افرادی که پیش از ازدواج با یکدیگر رابطه داشته اند بعد از ازدواج در حل مشکلات خود عاجزند، چرا که نسبت به یکدیگر بسیار بدبین هستند. کوهان گفت: طبیعت ارتباطات آزاد این است که زوجین چندان انگیزه ای برای حل درگیری ها و حمایت از مهارت های خود ندارند. وی افزود: به نظر می رسد ارتباطات این افراد زودتر از افرادی که با یکدیگر دوست نبوده اند، سرد و منجر به طلاق می شود. وی در پایان گفت: می توانم بگویم رابطه قبل از ازدواج به هیچ وجه سبب دوام زندگی زناشویی نمی شود^۱

۳. **مردان شناخت دست و واقع بینانه:** معمولا ادعا می‌شود این گونه روابط و دوستی‌ها به انگیزه ازدواج شکل می‌گیرد، ولی با کمی دقت فهمیده می‌شود، روح حاکم بر این گونه دوستی‌ها، عشق‌ورزی کور است نه خردورزی. پای خرد و عقل در میدان عاشقی لنگ است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «حُبُّ الشَّيْءِ يعمى و يصم»، دوست داشتن چیزی انسان را کور و کر می‌کند. در حالی که تصمیم‌گیری درست در مورد ازدواج با فرد خاص، تنها با تکیه بر عقلانیت و خردورزی ممکن است. دوستی‌های قبل از گزینش همسر، راه عقل را مسدود و چشم واقع بین انسان را کور می‌سازد و اجازه نمی‌دهد تا یک تصمیم صحیح و پیراسته از اشتباه گرفته شود. این نوع انتخاب‌ها که در فضایی آکنده از احساسات و عواطف انجام می‌گیرد. به دلیل نبود شناخت عمیق و واقع‌بینانه، زندگی مشترک را تلخ و آینده را تیره و تار می‌سازد. اگر برخی افراد پس از ازدواج متوجه می‌شدند علاقه‌ای به همدیگر ندارند دلیل اصلی اش آن است که قبل از ازدواج خوب فکر نکرده‌اند، خوب مشورت نکرده‌اند، خوب مطالعه نکرده‌اند، خوب تحقیق و بررسی نکرده‌اند و شناخت دقیق و کاملی از طرف مقابل بدست نیاورده‌اند و پس از ازدواج از زوایای تاریکی که قبل از ازدواج و هنگام تحقیق و پرس و جو باید روشن می‌شد، اطلاع پیدا کرده‌اند و در یافته‌اند اشتراک کافی ندارند و یا بر اساس آرمان‌گرایی‌های واهی و موهوم و غیر واقعی و یا بر اساس تصمیمات بدون پشتوانه کافی اقدام به ازدواج نموده‌اند. چه خوب است بدانید بسیاری از آن موارد بر اساس همان عشق‌ها و علاقه‌های کاذب و گذرا و لحظه‌ای تصمیم گرفته‌اند و نتوانسته‌اند بخاطر علاقه پیدا شده، خوب درباره طرف مقابل تحقیق کنند و تصمیم مناسب بگیرند.

✓ سوال: برای حل این وابستگی‌ها و این تصمیمات کورکورانه که نشات گرفته از وابستگی است چه باید کرد؟

جواب : ۱. مطمئن باشید بهترین راه حل نهایی آن ازدواج است. یعنی جایگزین نمودن و یا داشتن یک دوست صمیمی دائمی. کسی که با او اندیشه ها، افکار و اهداف و آرزو های شما هم خوانی داشته باشد. بنابراین هر چه سریع تر به فکر ازدواج و یا دوست خوب باشید. ۲. ارتباطات اجتماعی تان را با دوستان و هم کلاسی های هم جنس خود بیشتر کنید. با افراد اجتماعی دوست شوید افرادی که شاد و با نشاط هستند در عین حال مذهبی و هم فکر و همراه با رفتار و اندیشه های شما باشند. ۳. هر گاه فکر او به سراغ شما آمد، ذهن خود را به موضوع خاصی اعم از مسائل علمی، سیاسی، فرهنگی، دینی، ورزشی و ... مشغول کرده و اجازه ندهید ذهن تان خالی از موضوعی باشد تا موضوع دلبستگی تان به وی فکرتان را مشغول نماید. ۴. خداوند بهترین دوست انسان و مونس افراد تنهاست. مطمئن باشید اگر به او دل ببینید. قلب تان از محبت غیر خداوند خالی خواهد شد. ۵. به جای بیان اوصاف خوب او زشتیهای و اوصاف بد او را بیان و تکرار کنید. ۶. به گرفتاریهای این ارتباط فکر کرده و آنها را برجسته نموده و به عنوان یک معضل به آن بپردازید. ۷. پیامدهای از دست دادن رضایت خدا و حمایت خانواده را در برابر این ازدواج در ذهنتان مرتب تکرار کنید به ویژه که این نوع ارتباط ها عاقبت بخیر نخواهند شد.^۱

۱. اسلام درباره ازدواج و انتخاب همسر آن قدر قانون و مطلب و تأکید دارد که انسان در شگفتی فرو می‌رود. استاد محمد تقی جعفری می‌فرمود: «برتراند راسل، فیلسوف مشهور اروپایی، به من نوشت: چرا اسلام این قدر به ازدواج بها داده و برای آن قانون وضع کرده است؟ در جواب نوشتم: مسأله انسان است. با ازدواج می‌خواهد انسان به وجود آید.» بنابراین، خواهر گرامی پیش از هر گونه تصمیم‌گیری توجه به نکات زیر ضرورت دارد: ۱. اگر اندیشه ازدواج با پسری را در سر می‌پرورانید، قبل از ابراز علاقه به وی، درباره معیارهای ازدواج و شرایط همسر ایده‌آل شناخت کافی پیدا کنید. بدین منظور می‌توانید از راهنمای‌های افراد با تجربه و خیره و مشاوران مورد اعتمادتان و یا از کتاب‌های زیر کمک بگیرید: الف) انتخاب همسر، نوشته ابراهیم امینی، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی. ب) جوانان و انتخاب همسر، نوشته علی اکبر مظاهری، انتشارات پارسایان. ۲. سعی کنید، بر اساس اطلاعات دقیق، به شناخت کافی و صحیحی از پسر مورد نظر تان دست یابید و دقت را فراموش نکنید. مبدا عشق چشم‌اندیشه‌تان را کور سازد و شما را از تحقیق کامل و همه جانبه درباره وی باز دارد. ۳. اگر بر اساس بند ۱ و ۲ پس از بررسی‌ها و مشورت‌های لازم ایشان را فردی صالح و مناسب تشخیص دادید، بهترین راه آن است که از طریق واسطه‌های مورد اعتماد نظر طرف مقابل را درباره خویش جویا شوید. در صورتی که او نیز واقعا به ازدواج با شما تمایل دارد، به طور رسمی و از طریق خانواده محترمانه از شما خواستگاری کند تا آن شاء الله هر چه زودتر با توافق شما و وی و خانواده‌های محترمانه مقدمات ازدواج فراهم شود. از هر گونه ارتباط مستقیم و دور از نظارت بزرگ‌ترها جدا بپرهیزید؛ (حتی ارتباط تلفنی یا مکانی‌ای). ۴. اگر با بررسی‌های به عمل آمده ایشان را مناسب تشخیص ندادید احساسات خود را کنترل و از ابراز محبت خودداری کنید؛ زیرا علاقه یک سویه راه به جایی نمی‌برد. ۵. اگر به هر دلیل او به خواستگاری شما نیامد و یا خانواده محترم شما با خانواده وی بر پیوندتان مهر تأیید نزنند گمان نشود گوهر منحصر به فردی را از دست داده اید و هیچ کس دیگری نمی‌تواند شریک زندگی‌تان شود. بلکه مطمئن باشید برای هر «به‌ای» «بهتری» وجود دارد. و هنوز شانس ازدواج‌تان را کاملاً از دست ن داده اید. ۶. برخورد‌های اجتماعی وی تصویر کامل و زیبا و شایسته‌ای از وی در ذهنتان نقش بسته است ولی معلوم نیست آیا وی از شایستگی کافی و لازم برای زندگی با شما را برخوردار است یا نه؟ خود شما نیز هنوز اطلاعات زیادی درباره وی و خانواده ایشان ندارید!! و بحمدالله شما نیز منصفانه و عاقلانه با این مسأله برخورد کرده اید و خودتان اقرار کرده اید که اطلاعات کاملی از وی در دست ندارید. پس چگونه محبت او در دل شما جای گرفته؟! به نظر می‌رسد به خاطر مشکلاتی که در منزل با آن مواجه هستید و مورد بی‌مبیتی و بی‌توجهی برادران و خواهران و حتی والدین خود قرار داشته اید و از طرف دیگر روابط نسبتاً صمیمانه و همراه با احترامی که با این فرد پیدا کرده اید این گمان و فکر در ذهنتان ایجاد شده که وی پسر خوب، عاقل و ... است!! پس چه خوب است درباره شکل‌گیری محبت او در دل و قلب تان و استمرار آن خوب تأمل و تفکر و در صورت نیاز تجدید نظر کنید. ۷- تأکید می‌کنیم برای ازدواج با فرد مورد نظر تان باید تحقیقات کافی داشته باشید تا از خانواده وی اطلاعات دقیق بدست آورید. نسبت به پای بندی وی به ارزش‌های دینی و اخلاقی باید مطمئن شوید در این زمینه از نظرات مشورتی والدین و برادران تان کمک بگیرید. و بدانید که خانواده وی و تناسب او با خانواده تان مهم است زیرا پیوند ازدواج پیوند ۲ نفر نیست بلکه پیوند ۲ خانواده است.

۴. **افت تحصیلی یا رکود علمی:** این گونه روابط باعث می‌شود که دو طرف تمام فکر و توجه و تمرکز خود را صرف دیدارها و ملاقات‌های حضوری و تلفنی خود بکنند و این بزرگ‌ترین مانع برای رشد و ترقی علمی است؛ زیرا تحصیل دانش نیازمند تمرکز نیروهای فکری و روحی است. دل‌مشغولی و اضطرابی که در اثر این گونه پیوندها پدید می‌آید بزرگ‌ترین سد راه تعالی علمی و تحصیلی است؛ لذا متصدیان امور علمی مدارس و دانشگاه‌ها توصیه می‌کنند، حتی ایام عقد و نامزدی جوانان در بحبوحه تحصیلات نباشد تا آنان بتوانند با تمرکز بیشتری، در ادامه دروس و امتحانات موفق شوند. فوکویاما (متفکر آمریکایی): دانش‌آموزان آمریکایی شرکت‌کننده در المپیادهای جهانی، در مقایسه با کشورهای صنعتی دیگر، نازل‌ترین رتبه را داشته‌اند.^۱

۵. **اضطراب، تشویش و احساس نگرانی:** در دوستی‌های موجود بین دختران و پسران، از آنجا که مقاومتی بسیار قوی از طرف پدر یا مادر یا جامعه برای ممانعت از برقراری این دوستی‌ها وجود دارد، این گونه دوستی‌ها با مخاطرات روانی گوناگونی از جمله اضطراب و تشویش همراه است. وجود افکار دیگری چون احساس گناه، نگرانی از تهدیداتی که توسط پسر برای فاش کردن روابطش با دختر صورت می‌گیرد، یک تعارض درونی و اضطراب مستمر را به دنبال خود دارد. بنابر این وجود چنین دلهره‌ها و اضطراب‌هایی که گاهی لطمه‌های جبران‌ناپذیری بر جسم و روان انسان دارد، از جمله آسیب‌های این گونه روابط است.^۲

۶. **لذت نبرد از زندگی مشترک:** هرچه محبوب انسان دوزخ دسترس و صعب الوصول باشد هنگامی که انسان به آن می‌رسد بیشتر لذت می‌برد. حال پسر و دختری که به محض یک نیاز روحی و جسمی آن را برآورده می‌کنند، در زندگی آینده شیرینی و لذتی که انسان‌های

^۱ نشریه پگاه، شماره ۲۲، ص ۸

^۲ برای آشنایی بیشتر با آسیبها به کتاب روابط دختر و پسر در ایران نوشته احمدی، علی اصغر مراجعه شود

با عفت می برند را نخواهد داشت. زیرا به این روند ارتباط عادت نموده و هیچگونه تازگی و جذابیتی ندارد.

❖ اگر کسی برای غیر ازدواج این روابط را برقرار می نماید دچار چه پیامدهایی میگردد.

۱. **اضطراب و مشکلات رومی و روانی:** برخی صاحب نظران غربی هم چون فروید^۱ و راسل^۲ آزادی های جنسی را عامل آرامش روانی و زدودن عقده های درونی می دانستند، ولی پس از اجرای فراگیر این راه کار در غرب، شاهد افزایش روزافزون آمار بیماری های روانی، خودکشی و جنایت های ناشی از ناکامی های جنسی هستیم. بسی روشن است که گسترش محرک های جنسی، انسان را به کام جویی بیشتر می کشاند و هر گونه شکست در این راه، به آسیب بس بزرگ تری خواهد انجامید. استاد شهید مطهری (ره) در این باره می فرماید: (این نوع روابط) هیجان ها و التهاب های جنسی را فزونی می بخشد و تقاضای سکس را به صورت یک عطش روحی و خواست اشباع نشدنی درمی آورد. غریزه ی جنسی هم چون آتشی است که هرچه به آن بیشتر خوراک بدهند، شعله و رتر می شود. در نتیجه، با توجه به این که روح بشر فوق العاده تحریک پذیر است، اشتباه است که گمان کنیم تحریک پذیری روح بشر محدود به حد خاصی است و از آن پس آرام می گیرد. هیچ فردی از تصاحب زیبا رویان و هیچ زنی از متوجه کردن مردان و تصاحب قلب آنان و بالاخره هیچ دلی از هوس، سیر نمی شود. تقاضای نامحدود خواه و ناخواه انجام ناشدنی است و همیشه مقرون به نوعی احساس محرومیت و دست نیافتن به آرزوها و به نوبه ی خود منجر به اختلالات روحی و بیماری های روانی می

^۱ نظریه های جمعیت، چارلز کادور و دیگران، برگردان: احمد رضوانی، بخش سوم، ص ۳۷۸. برای آگاهی از نظریه های فروید و

راسل رک: اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، صص ۲۰ - ۵۰

^۲ جهانی که می شناسم، برتراند راسل، برگردان: روح الله عباسی، تهران، شرکت سهامی کتاب های جیبی، ۱۳۵۷، ص ۷۰

گردد که امروزه در دنیای غرب بسیار به چشم می خورد.^۱ دعوایها و درگیری هایی که جامعه خودمان را نیز فراگرفته نمونه ای از این بحرانهای روحی و روانی است. به عنوان نمونه دختر جوانی که به دنبال ارتباط پنهانی متوجه شد با فریب و اغفال باردار شده است و خواستگار خیابانی حاضر به ازدواج با او نیست، خودسوزی کرد.^۲

۲. **رکود علمی و تحصیلی** (قبلا در صفحه ۲۰ توضیح داده شد)

۳. **محرومت از ازدواج پاک:** هر انسانی در سرشت و نهاد خویش به دنبال پاکی ها و نجابت است. دخترانی که در پی این روابط آلوده هستند در حقیقت پشت پا به سرنوشت خود زده اند و این امر باعث می شود که آن ها به جرم آلودگی به این روابط شرایط ازدواج پاک را از دست بدهند. البته این گونه روابط ناسالم حتی در ازدواج پسران نیز تاخیر ایجاد می کند البته دختران بیش از پسران در معرض این آسیب قرار دارند.

۴. **سقوط و انحطاط در مشکلات جبران ناپذیر:** تقاضای کمک و فریادرسی از افرادی است که معمولاً در ابتدای کار به خود مطمئن بوده اند و تصمیم جدی شان آن بوده که وارد ارتباط احساسی و غیر معقول و از نظر اخلاقی غیر صحیح نشوند و صرفاً می خواستند در حد ارتباط عادی و یا به قول شما یک سلام و علیکم و یا اظهار محبت باطنی به طرف مقابل و نه بیشتر انجام گیرد. چه خوب است عین جملاتی از چنین افرادی را برایتان بازگو کنیم: « دختری ۱۹ ساله ام ..تا قبل از ورود به دانشگاه با هیچ پسری ارتباط نداشتم ... خودم در اقوام و فامیل از ماجراهای دوست های خیابانی کاملاً خبر داشتم و همیشه مواظب بودم ... کم کم با بچه ها خو گرفتم و سلام و احوال پرسی با آنها برایم عادی شد آنها هم به ما سلام می کردند ... مدتی بعد سلام کردن به پسرها هم شروع شد ... تا این که روزی یکی از آنها گفت: ببخشید مدتی است شما را زیر نظر دارم و از اخلاق شما خیلی خوشم آمده اگر لطف کنید مدتی با

^۱ مسأله ی حجاب، مرتضی مطهری، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۴، ج ۴۲، صص ۸۴ - ۸۷

^۲ «جام جم»، روز سوم تیرماه ۱۳۸۶

هم دوست باشیم ... حالم خیلی خراب شد ... حدود ۳ ساعت فقط گریه می کردم و افسوس می خورم که ...».

۵. **وابستگی غریب**: با شکل گیری روابط عاطفی بین دختر و پسر و افزایش تدریجی آن، زمینه وابستگی آنها به یکدیگر و تشدید آن فراهم می شود. از آنجا که نیاز به محبت ورزیدن و مورد محبت واقع شدن در دوران جوانی به اوج خود می رسد و فضای نسبتاً مناسبی برای ارضاء این نیاز (هر چند به طور غیر صحیح آن) در محیط آموزشی و دانشگاهی معمولاً وجود دارد، علاقه ابتدایی شدت یافته و علی رغم تصمیم اولیه دو طرف یا یکی از آنها، کم کم به وابستگی به یکدیگر تبدیل می شود. از طرف دیگر اگر کسی بخواهد با فردی فقط برای مدتی دوست باشد و به اظهار محبت کند (نه دراز مدت) مطمئناً با این وابستگی به وجود آمده (پس از آن مدت کوتاه یا طولانی) امکان جدا شدن از یکدیگر از نظر روانی بسیار سخت و مشکل آفرین است و معمولاً در چنین مواقعی بسیاری از جوانان به افسردگی های شدید و در مواردی ناامیدی کامل از جهان و ادامه هستی دچار می شوند و احساس می کنند نه راه پیش دارند و نه راه بازگشت زیرا از طرفی می خواهند این ارتباط دوستانه را که به وابستگی شدید منجر شده، ادامه دهند و از طرف دیگر باور دارند نمی توانند همدیگر را به عنوان شریک زندگی خود انتخاب کنند. این امر گاهی به خاطر ویژگی های شخصی شان است و گاهی به خاطر عوامل خانوادگی، اقتصادی و غیره مثل عدم توافق خانواده ها و نظیر آن است و یا به هر دلیل دیگر مطمئن می شوند برای زندگی مشترک با همدیگر تناسبی ندارند. اینجاست که دچار تنش شده و در یک بن بست سخت و شدید گرفتار می شوند. شکی نیست این نکته نیز از پشتوانه های عینی و تجربه های نوشته شده دانشجویان فراوانی برخوردار است.

۶. **پیدایش تنوع‌خواهی و انگ‌گذاری آن بر ازدواج:** جوانانی که پیش از ازدواج، رابطه‌ی نامشروع را تجربه کرده باشند، هنگام ازدواج و انتخاب همسر، به همه به دید شک و دودلی^۱ می‌نگرند. حتی پس از ازدواج نیز دل‌کندن از لذت‌های گذشته برای آنان مشکل است و تنوع‌طلبی، روان‌شان را بیمار می‌سازد و چه بسا پس از مدتی، دوباره به منجلاب‌فساد کشیده شوند. ویل دورانت می‌گوید: فساد پس از ازدواج بیشتر محصول عادت‌های پیش از ازدواج است.^۲

۷. **کاهش میل بر ازدواج:** این گونه روابط و دوستی‌ها معمولاً به انگیزه تفنّن و سرگرمی شکل می‌گیرد و در خلال آن از خود باوری و زودباوری دختران سوء استفاده می‌شود. متأسفانه در بسیاری موارد بین عشق و هوس تمییز داده نمی‌شود. عشق حقیقی و پاک با هوس‌های آلوده و زودگذر، تفاوت جوهری دارد. برخی از این روابط که مبتنی بر هوسرانی و سرگرمی است، پس از مدتی رو به سردی و افول می‌نهد. جاذبه و دل‌ربایی‌ها مربوط به روزها و ماه‌های اول دوستی است. ولی دیری نمی‌پاید که این روابط عادی شده و به جدایی می‌کشد. ویل دورانت می‌نویسد: «زندگی شهر نشینی طوری شده که آدمی را از اندیشیدن به ازدواج باز می‌دارد، در حالی که همه وقت انگیزه‌های شهوت جنسی مردم را به داشتن رابطه جنسی حریص تر می‌کند و در ضمن اجرای این تمایل را به طریق نامشروع سهلتر می‌گرداند». حس تنوع‌طلبی انسان از یک طرف و فقدان عامل بازدارنده از طرف دیگر باعث می‌شود برخی سراغ ازدواج و تشکیل خانواده نروند جامعه‌ای که از تشکیل قانون خانواده استقبال نکند هیچ‌گونه ضمانتی برای رشد و شکوفایی فضایل انسانی در آن وجود ندارد. عمده خوبی‌ها و کمالات والای انسانی در پرتو تشکیل خانواده‌ای سالم، به فعلیت می‌رسد.

^۱ مشکلات جنسی جوانان، ناصر مکارم شیرازی، قم، انتشارات نسل جوان، ص ۳۱.

^۲ لذات فلسفه، ویل دورانت، تهران، نشر دانشجویی، ص ۹۴

۸. **تفسیر باورهای اقتصادی و ایمان:** آیات و روایات بسیاری به آثار سوء پیروی از هوی و هوس و شهوات اشاره نموده و انسان را از آن برحذر داشته اند. اولین گام در روابط نامشروع، نگاه های هوس آلود و چشم چرانی است. خدواند در قرآن، افراد با ایمان را از نگاه هوس آلود و شهوانی نهی فرموده^۱ و به این نکته اشاره نموده است که تخلف از دستور الهی موجب خسران انسان در دنیا و آخرت و عامل اصلی انحطاط انسان است. چنان که حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «حکمت و شهوت در یک قلب جمع نمی شود.»^۲ و در روایت دیگری نیز می فرماید: «هیچ چیز به اندازه ی غلبه ی شهوات، تقوا را از بین نمی برد.»^۳ هم چنین می فرماید: «کسی که با شهوت همراه شود جان و عقلش مریض و بیمار می شود.»^۴ با توجه به آیات و روایات، روشن می شود که انسان، تنها در سایه ی عمل به تعالیم نورانی اسلام می تواند به سعادت و سلامت روانی دست یابد و به خدا نزدیک تر شود؛ اما با تخلف از دستورات الهی و رعایت نکردن حدود اسلامی در روابط با دیگران، از رحمت الهی دور می شود و به سوی فساد و تباهی گام برمی دارد.

۹. **مشکلات مالی و اقتصادی:** دختر و پسر برای به دست آوردن دل همدیگر با صرف هزینه های زیادی (مثل: کادو تولد، خرید تنقلات، سی دی، رمان و...) ضرری دیگر برای خود ایجاد می نمایند.

۱۰. **باج گیری بعد از ازدواج:** امروزه یکی از معضلات مهم جامعه افرادی هستند که به کمک وسایل پشرفته امروزی توانسته اند از دختر و پسری عکس بگیرند و شرایطی را خصوصاً

^۱ رک: بقره: ۳۰

^۲ محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، (قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی)، ج ۱۰، ص ۳۸۶

^۳ همان، ج ۱۰، ص ۳۸۶

^۴ همان، ج ۱۰، ص ۳۷۸

برای دختر ایجاد میکنند که یا پول می دهی یا فلان عمل منافی عفت با تو انجام شود. در این خصوص صفحه حوادث روزنامه ها و مجلات روزی نیست که حادثه ای را متذکر نشود.

۱۱. **عکس العمل دنیایی:** قانون سوم نیوتن فقط مربوط به فیزیک و اشیاء نیست. مولوی اعمال ما را مانند صدایی که در کنار کوه بلند می شود و همان صدا بدون کمبودی به ما باز می گردد

این جهان کوه است و فعل ما ندا سوی ما آید ندا ها را صدا

امیر المومنین (ع) که در وصیتهای خود به امام حسین (ع) اکثر عکس العمل های دنیایی را یادآور می شوند در این رابطه می فرمایند: «هرکس پرده حجاب دیگری را بردارد زشتیهای خانه خودش برای دیگران پدیدار می شود»^۱ حال چگونه حاضر است ناموس دیگران را هتک کند و بلایی سر ناموس خودش نیاید. توجه به این نکته هم اثرات خوبی دارد که این روابط برای ازدواج علاوه بر اینکه لذت لازم را نمی برد (قبلاً توضیح داده شد) اثرات سوء در ازدواج انسان دارد: در اکثر روابط وقتی از پسری سوال می کنیم اگر همسر آینده شما با پسران زیادی طرح دوستی ریخته بوده آیا حاضر به ازدواج با او خواهی بود، زیباست که جواب همه نه خواهد بود و همسر پاک و با عفت را برای آینده خود آرزو می کند.^۲

^۱ وصایا الرسول و الائمه ص ۱۷۳

^۲ دادستان سابق دادگاه اصفهان آقای رضوانی (ره) بیان می نمود: وقتی از پسری که هتک حرمتی به دوست دختر خود نموده بود خواستیم بالاجبار با دختر ازدواج کند گفت: حاضر است بمیرد ولی با دختری عفتی مثل او_ خود او باعث بی عفتی او شده بود_ ازدواج نکند

روابط از نظر قرآن

رفتار معقول دو جنس مخالف رابطه " موسی و دختران شعیب "

داستان را می توانیم در سوره قصص از آیه ۲۳ به بعد ببینیم : داستان مربوط به زمانی است که حضرت موسی از شهر مصر با حال ترس و نگرانی از دشمن به جانب مدین بیرون رفت . آیه ۲۳ « و چون به سر چاه آبی در حوالی شهر مدین رسید ، آنجا جماعتی دید که حشم و گوسفندانشان را سیراب می کردند . و دو زن را یافت که دور از مردان در کناری به جمع آوری و اختلدها گوسفندانشان مشغول بودند . موسی به جانب آن دو رفته ، گفت شما اینجا چه کار می کنید ؟ گفتند که منتظریم تا مردان ، گوسفندانشان را سیراب کرده ، باز گردند ، آنگاه گوسفندان خود را سیراب کنیم و پدر ما مردی سالخورده است .» آیه ۲۴ « موسی گوسفندانشان را سیراب کرد و دست به دعا برداشت .» آیه ۲۵ « موسی هنوز از دعا لب نبسته بود ، دید که یکی از آن دو دختر با کمال وقار و حیاء باز آمده گفت پدرم از تو دعوت می کند تا به منزل ما آیی و در عوض سقایت گوسفندان ما به تو پاداش دهد . چون موسی نزد او (شعیب) و دختران رسید و سرگذشت خود را با شعیب حکایت کرد ، شعیب گفت اینک هیچ ترس که از شر قوم ستمکار نجات یافتی .» آیه ۲۵ « یکی از آن دو دختر (صفورا) گفت : ای پدر این مرد را به خدمت خود اجیر کن که بهتر کسی که باید به خدمت برگزید ، کسی است که امین و تواناست .» در آیه ۲۶ «شعیب گفت : من اراده آن دارم که یکی از دو دخترم را به نکاح تو در آورم ... و در آیه بعد از پذیرش این عهد از سوی موسی سخن به میان آمده است .» اگر پذیرفته شده باشد که طرح داستانها در قرآن گزاره نبوده بلکه برای درس ، پند و عبرت است ، در اینصورت بازیگران و نقش آفرینان قصه ها و داستانها الگوهای خوب یا بدند و نقش آفرینان _ مثبت ، الگوهای حسنه قرآنند . با این نگاه اکنون به درسهایی که از این الگوی حسنه قرآنی برای ارتباط دختر و پسر می توان آموخت ، می نشینیم .

۱) رد ارتباط آزاد و بی حد و حصر پسر و دختر. زیرا دیدیم که دختران نخواستند با جنس مخالف براحتهی اختلاط، حتی ارتباط داشته باشند.

۲) رد کسانی که به طور کلی مخالف ارتباط دختر و پسر هستند. زیرا موسی وقتی دختران را در کنار چاه دید، با آنها ارتباط کلامی گرفت و از مشکل آنها پرسید و این تعامل حکایت از مشروعیت ارتباط کلامی بین دختر و پسر در صورت ضرورت و نیاز دارد. در آیات دیگر از قیود تعامل دو جنس مخالف، خودداری از نگاه ناروا است، که از آن در سوره نور ۳۰ و ۳۱ به «غض» بصر یاد شده است. در قرآن فرمان و دستور آن نیست که زن و مرد و دختر و پسر در ارتباط با هم «غض» بصر که بستن چشم است، داشته باشند بلکه فرمان، غض بصر است که منظور کنترل چشم از نگاه خیره، هوس آلود، مریض و کنترل نشده است. و این نکته یعنی ارتباط مقید دو جنس از نگاه دینی.

۳) از جمله نکات بسیار مهم که در ارتباط دختر و پسر در آیات مورد بحث مطرح شده، شیوه راه رفتن دختر شعیب نزد موسی است - «مشی با حیا» تمشی علی استحياء - در تعامل دختر با پسر مشی مبتنی بر حیاء، عفاف، وقار، متانت بسیار حائز اهمیت است. زیرا شیوه حرکت، سبک سخن گفتن، نحوه لباس پوشیدن حامل پیام است و در هر فرهنگی، با مخاطبش سخن می گوید. لازم به توضیح است که برخورد متکی به «حیا»، با برخورهای غلط دیگر از اساس متفاوت است. «حیا» یک صفت پسندیده اخلاقی است و عبارت است از کنترل ارادی رفتار خویش، به منظور حفظ حریم بین خود و دیگران. حیا، رفتاری است اختیاری و ارادی، در حالیکه «شرم»، یک نوع ناتوانی در اظهار وجود و ابراز خود است شرم و خجالت یک حالت هیجانی است که فرد در آن به شکل غیر ارادی، از انجام عملی و یا بیان عقیده ای و یا حضور در جمع و جماعتی، خودداری می کند. در چنین وضعی، رد مضطرب است و بر رفتار خود تسلط اندکی دارد و حال آنکه در حیاء فرد بر خود مسلط است. در حیاء نیز فرد از انجام دادن اعمال و بیان گفتار و یا برخورد مستقیم با فرد یا افراد اجتناب می ورزد، لکن این اجتناب و خودداری مبتنی است بر خونسردی، آرامش و

هشیاری فرد. در چنین شرایطی، فرد علی‌رغم توانایی در تحقق یک عمل، بنا به دلایلی عقلانی، از تحقق آن اجتناب می‌کند. در آیه از حیاء در رفتار دختر شعیب سخن به میان آمده، اما رعایت حیا در تعامل دختر و پسر مختص دختران نیست. چنانچه در روایات ذیل همین آیات، وقتی که موسی به منزل شعیب از طریق همین دختر فرا خوانده می‌شود، می‌خوانیم که دختر برای راهنمایی از پیش او حرکت می‌کرد و موسی پشت سرش. باد بر لباس دختر می‌وزید و ممکن بود لباس را از اندام او کنار زند. حیاء و عفت موسی اجازه نمی‌داد، چنین شود. از این رو به دختر گفت: من از جلو می‌روم، بر سر دوراهیها و چند راهیها، مرا راهنمایی کن. حاصل آنکه **اولاً**: دختر و پسر از هر گونه ارتباط نفی نشده‌اند و در صورت نیاز می‌توانند با هم سخن بگویند: **ثانیاً**: کلام، لباس و شیوه رفتاری، حامل بار معنایی است و زبان دارد. از این رو باید در رنگ لباس، نوع آن (تنگ، کوتاه، آستین نامناسب و ...)، کفش، و انتخاب کلمات و طرز ادای آن (با طنز و نرم و ...) دقیقاً رعایت حیاء را نمود؛ **ثالثاً**: رعایت عفاف و حیا ویژه جنس خاصی نیست و پسر مهذب و دختر عقیف در ترابط هر دو باید رعایت همه جوانب آسیب‌پذیر به حیا و عفاف و وقار را بنمایند. **رابعاً**: مراد از حیا، انزواگرایی، کناره‌گیری و برخوردی مبتنی بر شرم نیست.

۴) به نظر می‌رسد که آنچه که در منابع روایی آمده گره‌گشاست که چون آن دو دختر بر خلاف عادت هر روزه بزودی به خانه برگشتند و گوسفندان را با خود آوردند، پدرشان که از زود آمدنشان تعجب کرده بود، پرسید: چه سبب شد که امروز به این زودی بازگشتید؟ دختران گفتند: مرد صالحی بر سر چاه بود که با مشاهده وضع ما بر ما ترحم کرد و گوسفندانمان را آب داد و ما زود تر به خانه آمدیم. **اولا**: روابط صمیمی والدین و نوجوانان و جوانان را می‌طلبد. باید فرزندان محیط خانه را سالم، امن و قابل اعتماد احساس کنند تا درد دلها و مشکلات را با والدین در میان بگذارند. **ثانیا**: والدین باید شرایط نسل بعدی را درک کنند و سعه صدر داشته باشند، تا واقعیتها را بشنوند و به راه حلها بیندیشند.

۵) از نکاتی که در فرهنگ عامیانه ، ارزش تلقی نمی شود و شاید حتی ضد ارزش نیز قلمداد شود آن است که برای تشکیل زندگی مشترک ، دختری از پسری خواستگاری نماید . حال با توجه به الگوی قرآنی مورد بحث در ارتباط دختر و پسر ، پرسش اساسی آن است که آیا از نگاه دینی ، برای زندگی مشترک دختر در انتخاب شریک زندگی می تواند یا پیش بگذارد یا خیر ؟ در رابطه با پرسش حاضر چند نکته قابل بحث اند :

اول : ارتباط دختر و پسر حیطه عامی دارد که یکی از موارد و مصادیق آن روابط دختر و پسر برای ازدواج است . روابط می تواند اداری باشد (ارتباط دو همکار اداری یا یک فرد اداری با جنس مخالف از مراجعه کننده) این تعامل می تواند تحصیلی باشد و ... اما ارتباط دختر و پسر برای رسیدن به زندگی مشترک ، ارتباط عمیقتر و حساستری است و از این رو در فتاوی فقهی علیرغم حساسیت های ویژه ، آزادی عمل زیادی را در ارتباط بین دو جنس مخالف پذیرفته است مثلاً امام خمینی درباره زن و مرد و پسر و دختر که برای ازدواج اقدام می کنند بر این باور بودند که « هر یک از زوجین می توانند بدن دیگری را با شرایط ذیل به منظور تحقیق ببیند : ۱) نگاه به قصد لذت و ریبه نباشد ؛ ۲) ازدواج متوقف بر این نگاه باشد ؛ ۳) مانعی از ازدواج این دو در میان نباشد .

دوم : آنچه که از آیات مورد بحث به عنوان الگوی قرآنی تعامل ارتباط دختر و پسر استنباط می شود آن است که این یکی از دختران است که به پدرت گفت : « یا اَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ ، اِنْ خَيْرٍ مِنْ اسْتَأْجَرْتُ الْقَوَى الْاَمِیْنِ » (قصص / ۲۶) ، ای پدر این مرد را به خدمت خود اجیر کن که او بهترین کسی است که می توان به خدمت برگزید ، زیرا که امین و تواناست . و پدر با پذیرش این پیشنهاد ، به موسی طرح ازدواج با این دختر را باشرایطی مطرح کرد (قصص / ۲۷) به عبارت دیگر ، در اصل دختر با ظرافت خاصی و به صورت غیر مستقیم ، پیشنهاد ازدواج با موسی را داد . اینجاست که از آیه مورد بحث می فهمیم که دختران در گزینش همسر ، خصوصاً اگر فرد مناسب و ایده آلی را سراغ دارند باید فعال باشند ولی اگر طرح مسأله را مستقیماً به مصلحت نمی دانند ، با تمهید مناسب و یا با واسطه

ای، پیشنهاد خود را برای رسیدن به مطلوب و محبوب خود مطرح نمایند. پس خواستگاری دختر از پسر نیز مانند خواستگاری پسر از دختر هم «عقلا» و هم «نقلا» با شرایط خاص (از بین نرفتن کرامت زن) قابل دفاع است.

سوم: اما اینکه دختر شعیب به دو ویژگی موسی اشاره داشته و گواهی می دهد: یکی اینکه او قوی و نیرومند است و دیگر آنکه او امانتدار و مورد اعتماد است. این مدعای دختر خاستگاهش کجاست؟ از چه رو او می تواند به چنین باوری رسیده باشد؟ در این رابطه مفسرین از جمله گفته اند: قوت او را به هنگام کنار زدن چوپانها از سر چاه برای گرفتن حق این مظلومان و کشیدن دلو سنگین را یکه و تنها از چاه فهمیده بود و امانت و درستکاریش آن زمان روشن شد که در مسیر خانه شعیب، راضی نشد، دختر جوان پیش روی او راه برود، چرا که ممکن است باد لباس او را جابجا کند. بعلاوه از خلال سرگذشت صادقانه ای که برای شعیب نقل کرد نیز قدرت او در مبارزه با قبطیان روشن می شود، هم امانت و درستی او که هرگز با جباران سازش نکرد و روی خوش نشان نداد. از این الگوی قرآنی در روابط دختر و پسر، حداقل نکته ای که در بحث اخیر می توان آموخت آن است که در صورتیکه این ارتباط قرار باشد که به زندگی مشترک منتهی گردد، باید طرفین به ویژگیهای مناسب هم توجه کنند و این ویژگی ها باید جامع باشد هم خصایص مناسب جسمی (در این آیه قدرت و قوی بودن مرد) و هم خصایص مناسب روحی و اخلاقی (در این آیه امانت و درستکاری) را در برداشته باشد.^۱

راه کار چیست؛ چه باید کرد؟

بخشی از اقدامات سودمند در این مسأله عبارت است از:

الف) ارضای صبح و شروع: این گزینه معقول‌ترین راه برای نجات یافتن از این گونه رفتارهای نابهنجار یا کج روانه است. ویل دورانت، دانشمند معروف مغرب زمین، درباره ازدواج می‌نویسد: اگر راهی پیدا شود که ازدواج در سال‌های طبیعی انجام گیرد، بیماری‌های روانی و انحرافات جنسی که زندگی را لکه دار کرده است تا نصف تقلیل خواهد یافت. شاید به همین جهت است که در آموزه‌های دینی مان تسریع در ازدواج فرزندان و جوانان مورد تأکید قرار گرفته است. این دستورها و تشویق‌ها گویای آن است که می‌توان با ازدواج از بسیاری انحرافات اخلاقی و جنسی و روابط ناسالم و غیر مشروع دو جنس پیشگیری کرد. البته این موضوع به تلاش همگانی خانواده‌ها و مسؤولان و اصلاح نگرش‌ها و آداب و رسوم نادرست و فراهم کردن تسهیلات و امکانات ازدواج بستگی دارد و همه افراد، خانواده‌ها و حکومت وظیفه دارند در مسیر تحقق مقدمات ازدواج جوانان بکوشند.

ب) تکمیل روابط خانوادگی و ایجاد فضای عاطفی مثبت بین والدین و فرزندان و افزایش رابطه صمیمانه و نزدیک بین اعضای خانواده عامل پیشگیرانه دیگری است که می‌تواند در ایجاد احساس امنیت و آرامش و تأمین نیاز عاطفی نقش مؤثری داشته باشد. زیرا وقتی جوانان در خانه با محبت و توجه کافی روبه‌رو نشوند، این محبت و رابطه عاطفی را در بیرون خانه جست و جو می‌کنند و متناسب با دوران بلوغ و اوجگیری احساسات غریزی، رابطه خود را با جنس مخالف توسعه می‌دهند. بنابراین، نیاز به محبت در دوره جوانی را باید با گسترش روابط عاطفی خانوادگی و نیز گسترش رابطه صمیمانه و دوستانه بین همسالان هم جنس تأمین کرد و با یافتن دوستان مناسب و ایجاد ارتباطات گرم و عاطفی و انجام برخی فعالیت‌های دسته جمعی به این نیاز درونی پاسخ مثبت داد.

ج) خودکنترلی: خود کنترلی می تواند جوانان جویای رشد و کمال و عفت و پاکی همچون شما را در این فضای آلوده حفظ کند. خود کنترلی را می توان با رعایت موارد زیر بدست آورد:

✓ متعادل نمودن دوستی های افراطی این است که با نگاه واقع بینانه به پیامدهای آن بیندیشیم. بی تردید دوستی یکی از نیازهای انسان به خصوص در سن جوانی است و معاشرت و هم نشینی با دوستان شایسته و باایمان، موجب رشد شخصیت اجتماعی و تقویت ارزش های اخلاقی و معنوی دو جوان می گردد؛ نیز با دوستان خوب و مورد اعتماد می توان در زمینه های درسی و مسائل اجتماعی و فرهنگی به تبادل نظر و همکاری پرداخت؛ و اساساً انتخاب دوستانی که از لحاظ درسی و اخلاقی شایسته اند، می تواند بهترین بازوی موفقیت جوان باشد؛ اما باید توجه داشت که افراط در هر کاری ناپسند است و در دوستی ها و دوست یابی نیز ممکن است پیامد منفی داشته باشد.

✓ کنترل چشم: خداوند در قرآن کریم می فرماید: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» به مؤمنان بگو چشم های خود را (از نگاه به نامحرمان) فرو گیرند و عفاف خود را حفظ کنند! این برای آنان پاکیزه تر است. خداوند از آنچه انجام می دهند آگاه است؛ و به زنان با ایمان بگو چشم های خود را (از نگاه هوس آلود) فروگیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را، جز آن مقدار که نمایان است، آشکار ننمایند.^۱ در این آیه به صراحت دستور داده شده است که زن و مرد نامحرم به یکدیگر نگاه نکنند و از نگاه های هوس آلود پرهیز نمایند. به راستی، اگر به این آیه ی مبارکه عمل شود و دختر و پسر نامحرم از ابتدا به یکدیگر توجه نمایند و به هم نگاه نکنند، آیا دوستی ها و عشق های خیابانی به وجود می آید؟ حضرت علی(ع) می فرماید: «نعم صارف الشهوات غضّ الابصار» چشم پوشی از نگاه، بهترین عامل بازداری از

شهوت است.^۱ این نکته را احمد شوقی شاعر عرب: به زبان شعر بیان می کند که: «نظرة، فابتسامه، فسلام، فکلام، فموعد، فلقاء» اول نگاه است، بعد لبخند، بعد سلامی، بعد آن سخنی (گفتگو)، بعد از آن قرار، سپس دیدار.^۲ هم چنین، خداوند در قرآن خطاب به زنان پیامبر (ص) می فرماید: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا»^۳ به گونه ای هوس انگیز سخن نگویند تا بیمار دلی در شما طمع نکند، و به گونه ای شایسته و معمولی سخن بگویید.

✓ استفاده خوب از عناصر رسانه ای (کتاب، مجلات، مجموعه ی مطبوعات، صدا و سیما، ویدئو و ماهواره و اینترنت): اگر خطر سازند از آنها دوری کنیم این وسایل مثل یک لیوان است. می شود داخل لیوان آب گوارا باشد و می شود سم باشد. کتاب و مجله و مانند این ها چیزی جز ظرف نیستند. ظرفی هستند که محتوایی دارند. محتوای این ها ممکن است ارشاد باشد، یا اضلال. آدرس و نشانی اگر درست باشد، شما را به مقصود می رساند و، اگر درست نباشد، نه تنها شما را به مقصود نمی رساند، بلکه از مقصود دور می کند. اما ظرفیت و حجم ذهنی انسان محدود است و اگر بیش از ظرفیت در ظرف ذهن و مغز بریزد موجب آشفتگی، خستگی و پژمردگی مغز می شود. فرض کنید، مقدار زیادی میوه و خوراکی هست که همه ی آن ها هم حلال است؛ اما اگر کسی بیش از ظرفیت معده اش بخورد، دل درد می گیرد. اگر انسان شنیدارها و دیدارها را به حساب و منظم دریافت نکند، همان دل درد ذهنی برایش رخ می دهد. در این انبار، مرتب کالا وارد شده و بر روی هم ریخته شده و منظم چیده نشده است و این یک انبار آشفته ای است که صاحب انبار هیچ وقت نمی داند چه دارد، ولی همه چیز هم دارد. به خاطر همین هم درست نمی تواند فکر کند.

✓ نمی توان از موضوع مهم «مدیریت احساس و عواطف» صرف نظر کرد و آن را به عنوان یک نیاز اجتماعی مؤثر در پیشگیری از حوادث نادیده گرفت. به اعتقاد کارشناسان عدم

^۱ محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمة، (مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۱)، ج ۱، ص ۷۲

^۲ ره توشه راهیان نور تابستان ۸۳

^۳ احزاب: ۳۲

مدیریت صحیح روابط عاطفی بین جوانان و عدم پایبندی به اعتقادات مذهبی که مبتنی بر یک ایدئولوژی پویاست، مهمترین عوامل مؤثر در ایجاد ارتباط نامطلوب انسانی و اجتماعی است. نتایج یک تحقیق بر روی دانشجویان نشان می‌دهد که ۸۰ درصد مصاحبه‌شوندگان وضعیت مطلوب روابط دو جنس را با رعایت موازین شرعی و عرفی مرتبط دانسته‌اند.

✓ سوال: بعضی ادعا می‌کنند اگر این روابط آزاد شود و نسبت به آن سخت‌گیری نگردد؛ بعد از مدتی برای مردم عادی می‌شود؟

جواب: شهید مطهری در این باره می‌گوید: در مورد گزینه‌ی جنسی و برخی غرایز دیگر، برداشتن قیود، عشق به مفهوم واقعی را می‌میراند و طبیعت را هرزه و بی‌بندوبار می‌کند، در این مورد هرچه عرضه بیش تر گردد هوس و میل به تنوع افزایش می‌یابد.^۱ این که راسل می‌گوید: «اگر پخش عکس‌های منافی عفت مجاز شود پس از مدتی مردم خسته خواهند شد و نگاه نخواهند کرد» شاید در باره‌ی یک عکس به خصوص و یک نوع بی‌عفتی به خصوص صادق باشد، ولی مطلقاً در مورد همه‌ی بی‌عفتی‌ها صادق نیست؛ یعنی از یک نوع خاص بی‌عفتی خستگی پیدا می‌شود، نه بدین معنا که تمایل به عفاف‌جانشین آن شود، بلکه بدین معنا که آتش و عطش روحی زبانه می‌کشد و نوعی دیگر را تقاضا می‌کند و این تقاضاها هرگز تمام‌شدنی نیست. خود راسل در کتاب زناشویی و اخلاق اعتراف می‌کند که عطش روحی در مسائل جنسی، غیر از حرارت جسمی است؛ آنچه با ارضا تسکین می‌یابد حرارت جسمی است نه عطش روحی.^۲ ویل دورانت پیرامون پیامدهای آزادی‌های جنسی می‌گوید: در زیر عوامل سطحی طلاق، نفرت از بچه‌داری و میل به تنوع طلبی نهان است. میل به تنوع گرچه از همان آغاز در بشر بوده است، ولی امروزه به سبب اصالت فرد در زندگی نو و تعدد و محرکات جنسی در شهرها و تجاری شدن لذت جنسی دو برابر

^۱ مسأله حجاب، ص ۱۱۳، مرحوم شهید مطهری، چاپ صدرا

^۲ همان ص ۱۱۳ - ۱۱۴

گشته است.^۱ هم چنین می گوید: فساد پس از ازدواج، بیش تر محصول عادات پیش از ازدواج است.^۲ حال باید دید راه حل درست برای کنترل غرایز و جلوگیری از ایجاد روابط نامشروع و در عین حال ارضای صحیح غریزه ی جنسی چیست؟ شهید مطهری (ره) در این باره می گوید: به عقیده ی ما برای آرامش غریزه، دو چیز لازم است: یکی ارضای غریزه در حدّ حاجت طبیعی و دیگر جلوگیری از تهییج و تحریک آن.^۳ اسلام برای ارضای صحیح مسائل جنسی، ازدواج دایم و در صورت مهیّا نبودن شرایط آن، ازدواج مدّت دار و موقت را (با توجّه به ضوابط و شرایط شرعی^۴ و رعایت جوانب اخلاقی) توصیه نموده است. اسلام اصرار فراوانی دارد که محیط خانواده برای کام یابی زن و شوهر از یکدیگر آمادگی کامل داشته باشد. زن یا مردی که از این نظر کوتاهی کند مورد نکوهش صریح اسلام قرار گرفته است. فلسفه ی تحریم نظر بازی و تمتّعات جنسی از غیر همسر قانونی و هم چنین فلسفه ی تحریم خودآرایی و تبرّج زن برای بیگانه همین است.^۵ زن ژاک روسو می نویسد « انسان آزاد متولد شده ولی در همه جا به زنجیر کشیده شده است. آن کسی که خود را آقا و ارباب دیگران می پندارد نیز از همه بنده تر است... پیروی از هوی و هوس خود نوعی بندگی است. تنها اطاعت از قانونی که خود انسان برای صلاح خویش وضع کرده آزادی محسوب می شود»^۶ این حرف روسو هر چند بهترین قانون یعنی قانون خالق انسان را نادیده انگاشته ولی بیانگر این نکته است که آزادی بی قید و بند دچار مشکل می شود. همانطور که الکسیس کارل می نویسد: «در یک منطقه اگر بتوانیم آزادی مطلق خود را با اطمینان خاطر اعمال کنیم، در قسمت دیگر آزادی دیر یا زود برای ما فاجعه به بار می آورد».^۷ به عنوان

^۱ ویل دورانت، لذّات فلسفه، (تهران: نشر دانشجویی)، ص ۹۷

^۲ همان، ص ۹۴

^۳ مرتضی مطهری، همان، ص ۱۲۰

^۴ ر.ک: توضیح المسائل مراجع عظام، کتاب نکاح

^۵ مرتضی مطهری، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، (قم: انتشارات صدرا، بی تا)، ص ۴۷.

^۶ قرارداد اجتماعی ص ۲۱ و ۲۵

^۷ راه و رسم زندگی ص ۶۵

مثال: «کشور سوئد بعد از ۲۰ سال آزادی کامل جنسی در میان جوانان آنها چنان فجایع وحشتناکی بروز کرد که دانشمندان و مقامات مسئول را دچار وحشت نمود. بطوری که نخست وزیر سوئد در پارلمان کشور بعد از معذرت خواهی از مردم می گوید: «برای جبران اشتباهی که ۲۰ سال تمام ادامه داشته است ۴۰ سال وقت لازم است»^۱. امانوئل کانت می گوید: «آزادی یعنی استقلال عمل از هر چیزی به غیر از قوانین اخلاقی»^۲.

«انفجار جنسی» در کشور های غربی که آن را «دومین انقلاب جنسی» نامیده شده است، تغییر اساسی در الگوی خانواده، روابط جنسی و عشق می باشد. زنان دیگر با اعتماد به نفس بیشتر خواهان لذت جنسی و ارگاسم هستند و اشکال همزیستی بشدت در حال جایگزینی با ازدواج است. همچنین مفاهیم مشروعیت فرزند و بکارت زنان دیگر از گفتمان جنسی کشور های غربی برچیده شده است. در نتیجه این تحولات، ارتباط جنسی به روشهای پست انسانی یعنی همجنس گرایی، ارتباط با حیوانات و اشیاء تبدیل شده است، که ما این نحوه ارتباط جنسی را در حیوانات هم نمی بینیم. تازه می فهمیم! که چگونه انسان، آن وجود متعالی، مانند حیوانات بی قید و بند و حتی بدتر می شود. «اولئک کالانعام بل هم اضل»^۳

»^۳

^۱ سیمای تمدن غرب ص ۵۶

^۲ تحلیلی نوین از آزادی ص ۳۰

^۳ سوره اعراف آیه ۱۷۹ (آنها چون چهار پایاند بلکه گمراه ترند)

سوال: حدود روابط دختر و پسر چه مقدار باید باشد؟ اگر در محل کارمان، خانم‌ها باشند چگونه باید رفتار کنیم؟

۱- پرهیز از نگاه محرک: مرد و زن و دختر و پسری که با یکدیگر محرم نیستند باید از نگاه‌های به قصد لذت یا محرک شهوت پرهیز کنند. زیرا نگاه حرام انسان را گرفتار میکند. در روایات آمده است: نگاه کردن تیری است از تیرهای شیطان که به وسیله آن انسانها را شکار می‌کند.

۲- پرهیز از گفتگوهای بیجا و مهیج شهوت: دختر و پسر یا زن و مردی که محرم نیستند باید از گفتگوهای بیجا و محرک و مهیج پرهیز نمایند. در روایتی پیامبر (ص) از سخن گفتن مرد و زن نامحرم بیش از پنج کلمه نهی فرموده اند (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۴۳). این روایت اشاره به این موضوع دارد که تا حد امکان در صحبت نمودن با جنس مخالف کلمات را کوتاه بیان نماییم.

۳- پرهیز از خلوت کردن با نامحرم: خلوت کردن دختر و پسر یا زن و مرد نامحرم باهم در مکانی که جز این دو نفر کسی در آنجا نیست جایز نیست زیرا در روایات داریم که شیطان گفته است «هیچ دو نامحرم در یک مکان خلوت حاضر نمیشوند مگر اینکه من سومی آنها هستم و آنها را وسوسه میکنم تا به گناهشان بیندازم». امام باقر(ع) از پیامبر(ص) نقل کرده: «چهار چیز قلب را می‌میراند: گناه بر روی گناه، زیاد سخن گفتن با زنان (نامحرم)، بحث و مجادله با احمق و مجالست با ثروتمندان خوشگذران و عیاش». (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۴۳)

۴- شوخی نکردن با نامحرم: ابوبصیر از اصحاب امام باقر(ع) و امام صادق(ع) می‌گوید: من به زنی قرآن می‌آموختم. روزی با او مقداری شوخی کردم. وقتی به حضور حضرت باقر(ع) رسیدم حضرت به من فرمود: چه چیزی به آن زن گفتی؟ من خجالت کشیدم. حضرت فرمود: دیگر به او درس نده. (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۴۴) پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید «مردی که با زن نامحرم شوخی کند خداوند به هر کلمه‌ای که در دنیا به او می‌گوید هزار سال در آخرت او را حبس خواهد کرد»

۵- به چشم نامحرم نکشیدن زینتها ی خود: قرآن می فرماید: «وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ»^۱ زنان نباید زینت خود را (مواضع زینت خود را) ظاهر سازند مگر برای شوهرانشان. از مجموعه آیات قرآنی و ده ها روایت در این زمینه استفاده می شود که رابطه مرد و زن نامحرم در محل کار یا در جای دیگر خواه ناخواه تأثیر نامطلوبی در روح و روان انسان می گذارد. حتی در روایات وارد شده است که دنبال زنان نامحرم راه نروید.^۲

احکام روابط

سوال: «chat» چت در اینترنت با جنس مخالف با این شرط که از حدود شرعی خارج نشویم (مثلا برای تبادل نظر) چه حکمی دارد؟

همه مراجع: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به حرام باشد، اشکال ندارد. البته اگر جنس مخالف زن جوان باشد، بهتر است گفتگوی با او (هر چند بدون قصد لذت هم باشد) ترک شود.

سوال: آیا اظهار عشق و محبت بین دختر و پسر به منظور ازدواج گناه است؟

همه مراجع: آری این کار حرام است.

سوال: شوخی کردن با نامحرم چه حکمی دارد؟

همه مراجع: اگر به قصد لذت (جنسی) باشد و یا بترسد به گناه بیفتد جایز نیست.

سوال: نامه نگاری با نامحرم و طرح مسائل شهوانی از طریق ایمیل، چه حکمی دارد؟

همه مراجع: طرح مسائلی که باعث ایجاد فتنه و فراهم آمدن زمینه فساد است، اشکال دارد.

سوال: نگاه به نامحرم از فامیل با دید خواهر و بدون قصد لذت چه حکمی دارد؟

همه مراجع: نگاه به صورت و میج دستان در صورتی که قصد لذت نباشد جایز است

سوال: حکم دست دادن مرد با زن نامحرم در صورتی که عرف منطقه باشد و اهانت محسوب نشود

چیست؟

همه مراجع: دست دادن با زن نامحرم جایز نیست و شعائر دینی باید حفظ شود.

پرسش ها و پاسخ ها دانشجویی ج ۲۱ ص ۴۹ و ج ۱۶ ص ۱۹۱

^۱ سوره نور آیه ۳۱

^۲ همان ص ۱۴۵ به نقل از سایت تبیان

سخن آخر

وقتی انسان به کمک پیامبر باطنی خود یعنی عقل این نعمت گرانقدر حق تعالی توانست ثابت کند خدایی در این عالم است و برای او شریکی نمی باشد چون نظم در عالم نشانگر مدیریت واحد است.

هنگامی که به کمک این موهبت الهی توانست بفهمد حتماً باید معادی وجود داشته باشد زیرا خلقت انسان امری بیهوده جلوه مینماید و با عدالت حضرت حق معارض است و آنگاه که دریافت معاد یعنی پاداش و عذاب الهی بدون راهبر در دنیا امری زور و تحکمی است و با علم و حکمت خدا معارض است.

زمانی که متوجه شد هر راهبری باید ادعای خود را در راهبری ثابت نماید تا هر دروغگویی ما را به بیراهه نبرند ، پس باید پیامبر معجزه داشته باشد

دریافته ای که آنچه قرآن می گوید عین حقیقت است چون معجزه پیامبر است . حال با تمام وجود همه دستورات دینت را عین عقلانیت می دانی و می یابی که در پس هر دستوری از دستورات دین حکمتی نهفته است و خداوند که آفریننده انسان است و هر آفریننده ای به تمام مخلوق خود آگاه است ، برای دستوراتش که به صورت واجبات و محرمات ظاهر شده است غایتی و هدفی خاص دارد یعنی رساندن انسان به کمال خودش

لذا این دستورات جز به صلاح انسان نبوده و سعادت دنیا و آخرت را برای انسان به ارمغان می آورد . تا مدامی که انسان هدف حیات زمینی خود را نداند و ارسال پیامبران را با عقل و جان خویش حل ننماید ، حرکتی در تعالی خود نخواهد داشت . آنچه امروزه به عنوان مشکلات اجتماعی و روانی گریبان گیر جامعه بشریت شده جز جدایی او از وحی نیست . آری تو میدانی حکم خداوند مانند قوانین بشری ناقص و ناتمام نیست ! امروز پزشک دارویی میدهد، دردی دوا میکند ولی در ناحیه ای دیگر از بدن یا روان مشکلی می آفریند . دستورات خداوند برای همه تاریخ و درمان همه دردهای جسم و جان است. بندگی که همان عمل به دستورات حق با تمام خضوع برای رسیدن به یک مقصد عالی است که

خداوند میفرماید: « وَعَبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ » ای انسانها عبادت کنید تا به یقین برسید . اما انسانها اگر تمام وجه قلب خود را به حضرت حق ندهد گرفتار «وهم» می شود . یعنی خیالاتی که انسان را به سراب عطش افزا می کشاند و آن سراب را آب معرفی می کند و از طریق خوشیهای دروغین انسان را از تعادل روانی و آرامشهای روح افزای قلب محروم می گرداند. لذا وهم عامل ویرانی یقین معنوی است . و قرآن هم انحراف انسان را فراموشی یوم الحساب معرفی می نماید: « اِنَّ الَّذِيْنَ يَضِلُوْنَ عَنِ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَ اَهُمْ عَذَابٌ شَدِيْدٌ بِمَا نَسُوْا يَوْمَ الْحِسَابِ » آنهایی که از راه خدا گمراه شدند عذاب دردناکی دارند ، زیرا که روز قیامت و روز حساب را فراموش کردند. چرا یوم الحساب را فراموش کردند و آن را نفهمیدند؟ چون با وهم خود به سر می برند. وهم که آمد لذت کاذب را برایمان حقیقی جلوه می دهد و نمی گذارد انسان تا افق قیامتی روحش روشن شود . حال با این مقدمه می گوئیم : « عامل تحریک وهم در مرد عموماً نگاه است و در زن عموماً خود نمایی است » . مولوی در دفتر آخر مثنوی می گوید : ای انسانها شما هم اینطور هستید که با خیالتان خوش هستید . و برای نجات از آن باید وهمتان را محدود کنید تا زمینه خود شناسی را فراهم نمایید

باز کرده بیهوده چشم و دهان

زینت او از برای دیگران

دیگران را تو زخود نشناخته

ای تو در پیکار خود را باخته

که من اینم ، والله آن تو نیستی

تو بهر صورت که آیی نیستی

در غم و اندیشه مانی تا به حلق

یک زمان تنها بمانی تو زخلق

صدر خویشی، فرش خویشی، بام خویش

مرغ خویشی ، صید خویشی ، دام خویش

مولوی در انتهای داستان طوطی و بازرگان بعد از آنکه طوطی خود را به مُردن زد و نجات یافت به بازرگان گفت :

که رها کن نطق و آواز گشاد

گفت طوطی کو به فعلم پند داد

زانکه آواز تو را در بند کرد خویش را مرده پی این پند کرد

یعنی تا تو اهل خودنمایی هستی در اسارات خواهی بود ، از خودنمایی برای غیر بمیر تا آزاد شوی به دیگر بیان ، دنبال این نگاهها و خودنمایی ها همه چیزت را از دست می دهی و امکان آسمانی شدن روح را در پای شنزار و سراب هوس قربانی می کنی و دیگر هیچ هیچ. خداوندا ! چشم ما را بینا کن تا جایگاه محکم دستورات تو را بیابیم و از این هلاکت بزرگ خود را برهانیم.^۱

جمع آوری و تحقیق: سید محسن موسویان

تابستان ۸۶

^۱ برگرفته از جزوه فلسفه نگاه و حجاب استاد طاهرزاده